



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۳۳

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: بررسی اقوال علما در مورد مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۰۷

استاد: محمدسعید واعظی حفظه الله

بسم الله الرحمن الرحيم و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و اللعن الدائم على اعدائهم اجمعين

مقدمه

در جلسات گذشته عمده روایاتی که برای اثبات مشروعیت ممکن بود، مورد استدلال قرار بگیرد مورد بررسی قرار گرفت و نوبت به "جمع بندی کلی" رسید.

محل نزاع

ابتدا لازم است "محل نزاع" دقیقاً روشن شود. بحث در مشروعیت شخصیت حقوقی "حاکمان غیرمشروع" و نفوذ تصرفات قانونی آنها ("به عنوان حاکم") در اموال مربوط به دولت (اموال عمومی، اراضی خراجیه، زکات، جزیه، انفال، مجهول المالک...) "به خاطر اهلیت داشتن" برای این تصرفات است.

بنابراین منصوبین از طرف ائمه علیهم السلام (ولو فاسق باشند) یا در غیبت امام ولایت فقیه، عدول مومنین یا فساق از مومنین در صورت فقدان عدول (در صورت پذیرش ولایت در این سه مورد)، که "شرعاً ولایت آنها ثابت است" و غاصب حکومت محسوب نمی شوند، خارج از موضوع کلام به حساب می آیند.

همچنین روشن است نفوذ تصرفات حاکمان "به عنوان شخصیت حقیقیشان در اموال شخصی" و جریان قاعده ید (در صورت عدم علم به غصبی بودن مال مورد معامله یا در صورت وجود علم اجمالی غیر منجز به طوری که یا اطراف غیر محصوره باشند یا برخی از اطراف خارج از محل ابتلا باشند) در چنین فرضی محل تامل نیست، چراکه رسمیت داشتن چنین اموری از نظر شرعی محل تردید نیست.

آنچه با عنوان "تصرفات" در تعریف محل نزاع ذکر شد، به یک اعتبار می توان به دو دسته تقسیم کرد (و هر دو مورد توجه است):

۱. درآمدی (اخذ خراج، زکات، استخراج معادن، جنگل ها و...) که شامل مجموع تصرفات درآمد زا برای دولت است.
۲. مصرفی (فروش، هبه، اباحه...).



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۳۳

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: بررسی اقوال علما در مورد مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۰۷

استاد: محمدسعید واعظی حفظه الله

اقوال علما در مساله

اگرچه مساله در کلمات فقها به گستردگی موضوع مورد بررسی مطرح نشده است ولی ملاک‌هایی که در مباحثی مانند خراج، زکات و... مطرح فرموده‌اند، به شکل کلی مشروعیت شخصیت حقوقی دولت غیرشرعی "قابل تعمیم" است.

در یک "دسته‌بندی کلی" می‌توان اقوال علما را در دو قول خلاصه کرد:

قول اول. برخی از فقها برای دولت‌های نامشروع شخصیت حقوقی قائل هستند (یعنی ولو اینکه به حسب تکلیفی مرتکب حرام می‌شوند و از این جهت مستحق عذاب هستند ولی از جهت وضعی تصرفات آن‌ها نافذ است).

قول دوم. برخی دیگر و لو به نحو اجمالی شخصیت حقوقی مستقلی را برای این دولت‌ها نمی‌پذیرند.

عبارت مرحوم سید یزدی در مورد قول اول

مرحوم سید یزدی در کتاب حاشیه المکاسب ۸ احتمال (به علاوه احتمالات دیگر که به گفته خودشان در جای دیگر جمع‌آوری فرموده‌اند) را مطرح می‌کنند که ۶ تای آن‌ها قائل دارد و احتمال قول به ۲ وجه دیگر نیز وجود دارد. عبارت ایشان در مورد قول به مشروعیت چنین است^۱:

[قول به مشروعیت شخصیت حقوقی جائز]

أحدها أنه لا يجوز التصرف في الأراضي و لا في الخراج إلا بإذن السلطان الجائر و أنه ولي هذا الأمر بعد غصبه الخلافة و هذا القول محكي عن الجماعة المذكورين في المتن (مقصود متن مکاسب شیخ انصاری است که اسامی برخی از قائلین را ذکر می‌فرماید) بل عن الكفاية (مرحوم سبزواری) أنه نقل بعضهم الاتفاق عليه كما في رسالة الكركي أيضا كما نقله المصنف (مرحوم شیخ انصاری قدس سره) و إن كان يمكن تأويل كلامهم على ما في المتن (خود مرحوم شیخ در مکاسب تاویلاتی برای توجیه کلام این دسته از علما می‌آورند).

^۱ نام کتاب: حاشیه المکاسب نویسنده: الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم جلد: ۱ صفحه: ۴۶



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۳۳

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: بررسی اقوال علما در مورد مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۰۷

استاد: محمدسعید واعظی حفظه الله

نعم يظهر من الكفاية وجود القائل الصريح به بل في الجواهر أيضا نقله عن بعض مشايخه المعاصرين (مقرر: ظاهرا مقصود صاحب مفتاح الكرامه باشد) حيث قال: و من الغريب دعوى بعض مشايخنا المعاصرين اختصاص جواز الدفع في الخراج و نحوه بالجائر "ملاحظة للتقيّة الزمانيّة" و أنّ "الأصل عدم الإذن منهم في الدفع إلى غيره" و "لاقتصار النصّ في المقام و نظائره على بيان حكمه في يد الجائر".

[اشكال قول و پاسخ مرحوم سبزواری به اشكال]

و لازم هذا القول "عدم حرمة التصرف عليه" و "جواز الرجوع إليه اختيارا و إن كان معاونة على خمول الحقّ و ترويج الباطل" كما صرح بذلك صاحب الكفاية على ما نقل عنه حيث أنّه بعد ما نقل عن بعضهم الإشكال على هذا القول بما ذكر قال: و فيه نظر لأنّ كون ذلك إثما إنما يكون على تقدير كون أخذ الجائر حراما مطلقا بأيّ غرض كان، و هو ممنوع، و قد مرّت الإشارة إليه و تقوية الظالم إنّما يسلم تحریمه في الظلم و في مطلقه إشكال.

و أشار بقوله و قد مرّت إلى ما ذكره عند بيان حكم الخراج من عدم ثبوت حرمة تصرف الجائر "إذا كان غرضه جمع حقوق المسلمين" و في الجواهر نقل عن بعضهم تعليل الحلّيّة له بأنّه "كالجعل له على حماية بيضة الإسلام".

[نظر خود مرحوم سيد يزدي در مورد قول اول]

هذا و بطلان القول من الوضوح بمكان كيف و هذا من شئون الخلافة ففي الحقيقة يرجع إلى إيكال الأمر إليهم و عدم إثمهم في غضب الخلافة و مثل هذا لا ينبغي أن يسطر.

عبارت مرحوم محقق اصفهانی در مورد قول اول

مرحوم شيخ محمدحسين غروي اصفهانی در حاشیه المكاسب خود چنین آورده اند^۱:

وأما السلطان الجائر فقد اختلفت الاقوال فيه، فمنهم من أفرط في القول بولايته حتى جعله بمنزلة الامام العادل، بحيث لم يقع منه حرام إلا في تغلبه وتقلده للرئاسة فقط، ومنهم من فرط حتى قال بجواز التصرف من دون اعتبار إذنه، وعدم كفاية إذنه وعدم حل الخراج المأخوذ منه، وكلا القولين ساقط.

^۱ نام کتاب : حاشیه کتاب المكاسب نویسنده : الغروي الإصفهانی، الشيخ محمد حسين جلد : ۳ صفحه : ۶۴



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۳۳

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: بررسی اقوال علما در مورد مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۰۷

استاد: محمدسعید واعظی حفظه الله

بیان مرحوم محقق خویی در تصویر قول اول

مرحوم آقای خوئی در ترسیم نظام حقوقی قول اول توضیح داده‌اند که در نگاه قائلین، در واقع آن چیزی که موضوع نفوذ تصرفات در شرع است، مطلق سلطنت و سلطان است (یا به عبارت دیگر موضوع سلطان خارجی است نه سلطان به حق در قانون شرع)، نظیر این که کسی باغی را وقف به تولیت سلطان وقت کند که در اینجا تفاوتی نمی‌کند که سلطنت به دست چه کسی باشد یعنی حتی تصرفات سلطان جائز نیز در موقوفه مشروع است. بنابراین آن چیزی که حرام است، کنار زدن امام علیه السلام از جایگاه حکومت است ولی بعد از تسلط بر سلطنت تصرفات غاصب خلافت نیز جایز و نافذ است.

اشکال قول اول

تصویر مرحوم آقای خویی از قول اول اگرچه اشکال ثبوتی ندارد (مستلزم محالی نیست)، چراکه ممکن است شارع به لحاظ مصالحی حکم به مشروعیت تصرف در اموال غیر بدون رضایت او کند (مانند تجویز ورود در زمین غصبی برای انقاذ غریق یا تجویز تصرف در حق الماره) ولی از نظر اثباتی دلیلی بر چنین جایگاهی برای سلطان بما هو سلطان (اعم از عادل و غیر عادل) نداریم.

برخی تفصیلات در قول اول

اگرچه قائلین به قول اول همگی در اصل مشروعیت شخصیت حقوقی سلطان جائز مشترکند ولی در برخی تفصیلات، تفاوت دیدگاه وجود دارد مثلاً بعضی مشروعیت سلطان را مشروط به دارا بودن خلافت عامه می‌دانند یا برخی قائل به مشروعیت سلطان جائز، در فرض در دسترس نبودن حاکم مشروع هستند و برخی مطلب را به عکس می‌دانند.

عبارت منهاج الصالحین مرحوم آقای حکیم و مرحوم آقای خویی در مساله ۹۹ (ذیل شروط عوضین) ناظر به برخی از تفصیلات در مساله چنین است^۱:

بل الظاهر عدم جواز التصرف فيها إلا بإذن الحاكم الشرعی، إلا أن تكون تحت سلطة السلطان المدعی للخلافه العامه فیکفی

^۱ منهاج الصالحین (للخوئی)، ج ۲، ص: ۲۶، ۲۷



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۳۳

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: بررسی اقوال علما در مورد مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۰۷

استاد: محمدسعید واعظی حفظه الله

الاستئذان منه، بل فی کفایة الاستئذان من الحاكم الشرعی - حينئذ - إشكال (این عبارت به روشنی بیانگر قول به مشروعیت شخصیت حقوقی مدعی خلافت عامه است، به خصوص اینکه این اجازه را مقید به تقیه‌ای بودن و اضطرار نکرده‌اند).

قول دوم (عدم مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع)

در نگاه قائلین به قول دوم، قاعده شرع بر عدم مشروعیت شخصیت حقوقی غاصب و تصرفات او است، و تجویز بر اساس تقیه و ضرورت و محدود به همان میزان است (الضرورات تقدر بقدرها)، و مانند امضای کار غاصب فضولی است، که به فضولی هیچ‌گونه اهلیتی نمی‌بخشد (ان لزوم الاستئذان من الجائر من باب التقیه و هی تقدر بقدرها و هی من باب الاجازه فی الفضولی من غیر ان تكون ولایه للجائر اصلا)، بلکه طرف حقیقی معامله خود امام صلوات الله علیه است. این قول، نظر مرحوم صاحب جواهر، مرحوم محقق اصفهانی و مرحوم آقای خویی در مصباح الفقاهه (تقریرات درس خارج ایشان) و مرحوم سید یزدی است. عبارت مرحوم سید یزدی چنین است^۱:

أَنَّ الأمر إلى الحاكم الشرعي و أَنَّ التصرف منوط بإذنه إِلَّا أَنَّهُ إِذَا تصرف الجائر يكون تصرفه فيها (ارض خراجيه) أو في خراجها نافذا من غير حاجة بعد ذلك إلى الاستئذان من الحاكم الشرعي و إن أمكن و لا يكون هذا إِلَّا من باب الإجازة في الفضولي من غير أن يكون للجائر ولاية أصلا و هذا هو الظاهر من كثير من متأخري المتأخرين و ظاهرهم أنه لا بد من أحد الأمرين إما الاستئذان من الحاكم و إما مبادرة الجائر إلى التصرف و هو قريب من الصواب لأن مقتضى القاعدة كون الأمر إلى الحاكم إِلَّا أَنَّ الاستفادة من الأدلة المتقدمة نفوذ تصرف الجائر أيضا من باب إذن الإمام (ع) عموما للشیعة المعاملين معه و أقرب منه الخامس و هو أَنَّهُ يجب الاستئذان من الحاكم الشرعي إن أمكن و إِلَّا فيجوز لأحد الشيعة التصرف فيهما نعم لو لم يمكن إِلَّا بتصرف الجائر أو إذنه كان نافذا من باب الإجازة في الفضولي و مع مبادرته إلى ذلك لا يجب الاستئذان من الفقيه و إن أمكن.

نظر مرحوم امام خمینی

مرحوم امام در جلد دوم مکاسب صفحه ۲۷۲ ذیل المساله الثانيه توضیح می‌دهند که مقتضای قواعد عدم مشروعیت تکلیفی (حرمت) و وضعی (فساد و بطلان) تصرفات حاکم نامشروع است، مگر آنکه دلیلی بر خلاف آن بیاید. بنابراین با توجه به روایاتی که دلالت بر تجویز دارند می‌توان قائل به مشروعیت شخصیت حقوقی و نفوذ تصرفات دولت غاصب شد. البته ایشان

^۱ نام کتاب: حاشیه‌ی مکاسب نویسنده: الطباطبائی الیزدی، السید محمد کاظم جلد: ۱ صفحه: ۴۷



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۳۳

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: بررسی اقوال علما در مورد مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۰۷

استاد: محمدسعید واعظی حفظه الله

متعرض وجه امضای روایات (یعنی اینکه آیا این نفوذ تصرفات از باب مشروعیت بخشی به شخصیت حقوقی و صاحب منصب سلطنت است، چه به حکم اولی شرع و چه از ناحیه ولایت خودشان، یا اینکه صرفاً از باب امضای کار فصولی است) نسبت به این تصرفات نمی‌شوند.

نتیجه روایات مقام

همانطور که سابقاً بیان شد، از تجویز روایات نسبت به تصرفات بیش از امضای کار فصولی استفاده نمی‌شود. فلذا اثبات شخصیت حقوقی بر مبنای روایاتی که گذشت، قابل قبول نیست.